

تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه و میانه اسلامی براساس منابع مکتوب (مطالعه موردی: شهر بوژگان)

حسن باصفا^{1*}، مهدیه رحمتی²

(تاریخ دریافت: 92/6/21، تاریخ پذیرش: 93/8/7)

چکیده

پهنه فرهنگی محدوده‌ای جغرافیایی است که در آن گروهی تقریباً گسترده با مشخصات فرهنگی مشترک وجود داشته باشند. شهر نیشابور در دوران اسلامی - که بقایای آن امروزه در جنوب شرق شهر کنونی نیشابور قرار دارد - در سده‌های نخست تا هجوم مغولان همراه بلخ، مرو و هرات جزء چهار ربع خراسان بزرگ بوده که فقط نیشابور در ایران امروزی باقی مانده است. براساس منابع تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخست و میانی اسلامی، نیشابور به لحاظ پهنه فرهنگی وسعت بسیاری داشته و در تقسیمات اداری، دارای دوازده ولایت، ارباع (ربع نام واحدی جغرافیایی است) متعدد، مدینه‌ها و روستاهای بسیاری بوده است. بوژگان که یکی از شرقی‌ترین ولایات دوازده‌گانه نیشابور است، در میان دشت نیل‌آباد به فاصله 17 کیلومتری جنوب شرق تربت جام قرار گرفته و نتیجه

*hbasafa@gmail.com

¹. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور، ایران

². کارشناس ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

برهم‌کنش شرایط اقلیمی با مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بستر زمانی قرن اول تا هفتم هجری قمری و ارتباط نزدیکش با مرکز یعنی نیشابور بوده است. در این مقاله، با روی‌کرد تحلیل تاریخی به شناسایی متن‌شناختی بوژگان پرداخته شده است. ارزیابی منابع مکتوب نشان می‌دهد نیشابور همواره یکی از مهم‌ترین ولایت‌های شرقی شناخته شده و در مسیر جاده ربع نیشابور به هرات اهمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ویژه‌ای داشته است.

واژه‌های کلیدی: شهر کهن نیشابور، بوژگان، باستان‌شناسی اسلامی.

1. مقدمه

پهنه فرهنگی¹ محدوده‌ای جغرافیایی است که در آن گروهی تقریباً گسترده با مشخصات فرهنگی مشترک وجود داشته باشند. در این محدوده می‌توان عناصر فرهنگی را شناخت و میزان وابستگی فرهنگ‌ها را با کم و زیاد شدن وابستگی مواد فرهنگی تحلیل کرد (جلالی مقدم، 1377: 66). شهر نیشابور در دوران اسلامی به‌ویژه در سده‌های نخست تا هجوم مغولان، در کنار بلخ، مرو و هرات از چهار شهر بزرگ خراسان بوده است² (Bosworth, 2010). این شهر محدوده جغرافیایی وسیعی را در خراسان دربرمی‌گرفته که در متون جغرافیایی و تاریخی دوران اسلامی بارها از آن یاد شده است.

در پژوهش‌های حوزه علوم انسانی، مفهوم شهر پدیده‌ای اجتماعی است که برهم‌کنش شرایط اقلیمی و طبیعی را با مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه نشان می‌دهد (یوسفی فر، 1384: 229). هر شهری نیز در بستر زمان و مکان ویژه‌ای شکل گرفته، گسترش یافته و در نهایت فروپاشیده است. بهره‌گیری از روی‌کرد روشمند تحلیل تاریخی از یک سو به سیر تحولات اجتماعی و تاریخی شهر در بستر زمان و مکان و از سوی دیگر به فهم منطقی ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه کمک می‌کند (تقوی، 1389: 2).

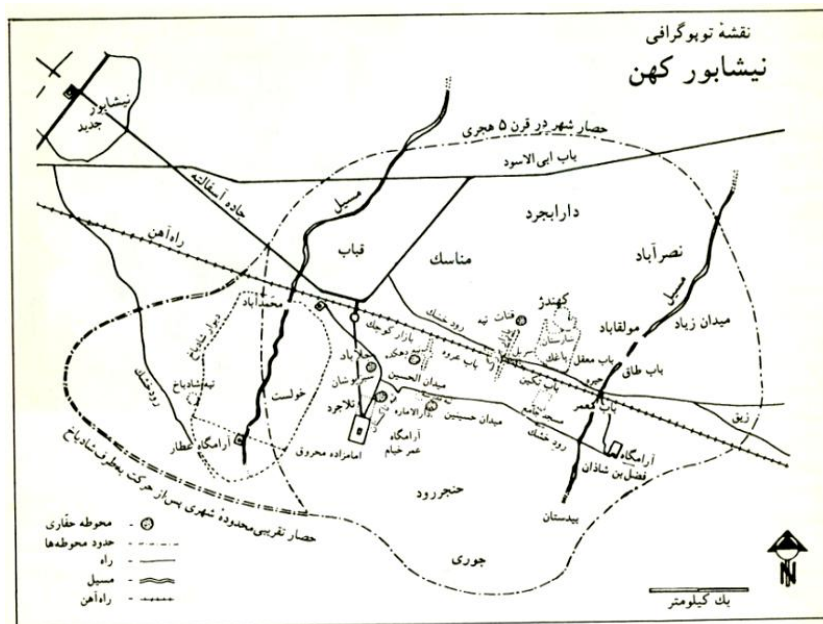
نهشته‌های باستانی شهر کهن نیشابور در دوران اسلامی امروزه در جنوب شرقی شهر کنونی نیشابور (شکل 1) با وسعتی حدود 3500 هکتار قرار دارد. یادآوری‌های متون جغرافیایی و تاریخی مبنی بر شهری مهم و دارای ساختارهای اقتصادی و فرهنگی قدرتمند در دوره‌های ساسانی و اسلامی، خرید و فروش ظرف‌های سفالی متناسب به این شهر در گالری‌های اروپایی و سخنان

تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه ... _____ حسن باصفا و همکار

جهان‌گردان در قرن‌های نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی سبب شد تا اولین کاوش‌های باستان‌شناختی در شهر کهن نیشابور آغاز شود (ریاضی، 1371: 22). سرپرست این کاوشگران که از طرف موزه متروپولیتن به نیشابور اعزام شده بودند، چارلز کیرل ویلکینسون بود که با روی‌کرد عتیقه‌جویی بین سال‌های 1935-1948م/ 1315-1326ش در تپه‌های سبزپوشان، مدرسه، تاکستان و قنات تپه کاوش کرد و نیمی از مواد فرهنگی یافت‌شده را به موزه ایران باستان و نیمی دیگر را به موزه متروپولیتن منتقل کرد (ر.ک: ویلکینسون، 1390: Allan, 1982; Wilkinson, 1986). کاوش‌های هیئت آمریکایی همسو با منابع مکتوب (حاکم نیشابوری 1375؛ مقدسی 1361؛ ابن‌خردادبه، 1371)³ نشان داد که نیشابور در دوران اسلامی اهمیت بسیاری داشته است. اهمیت نیشابور باعث شد تا بار دیگر در سال 1347 سیف‌الله کامبخش فرد (1349: 16) در کاوشی 22 روزه چندین کوره سفال‌پزی در آنجا بیابد که نشان از فرایند کاملاً تخصصی تولید سفال در نیشابور دارد. ریچارد بولیه⁴ (1976) نیز در سال 1344 با روی‌کردی تحقیقی-تاریخی و هم‌پوشانی با بررسی باستان‌شناختی و مطالعات سنجش از دور، محلات شهر قدیم نیشابور را بازسازی کرد (شکل 2). مطالعه وی امروزه نیز با توجه به آسیب فراوان نهشته‌های باستانی، بسیار ارزشمند است.



شکل 1 موقعیت مکانی استقرارهای مهم دوران اسلامی خراسان بزرگ



شکل 2 بازسازی محلات و حصار شهر کهن نیشابور در دوران اسلامی
(ریاضی، 1371: 25)

تازه‌ترین مطالعات باستان‌شناختی بعد از انقلاب نیز از سال 1378-1384 به‌مدت شش فصل در محله شادباغ شهر نیشابور به سرپرستی رجبعلی لباف خانیکی انجام شد و کاوش‌های مشترک وی با مونیک کروان فرانسوی⁵ (2005-2006م) در سال 1383 به‌مدت دو فصل از مطالعات صورت گرفت. در سال 1390 نیز پایگاه شهر کهن نیشابور به سرپرستی هایده لاله پژوهشی با هدف مطالعه پهنه شهر کهن نیشابور از دوران ساسانی تا قاجار انجام داد. براساس منابع تاریخی در دوره‌های حکومتی بین قرن‌های نخستین و میانی اسلامی، همواره نیشابور از مراکز خراسان بوده است. مهم‌ترین، کهن‌ترین و موثق‌ترین متن تاریخی، کتاب **تاریخ نیشابور** از ابو عبدالله حاکم نیشابوری است که فقط بخش‌هایی از آن برجای مانده است. این کتاب حاوی اطلاعات ارزشمندی، به‌ویژه از قرن‌های نخستین اسلامی در ذکر ساختارهای شهری، مذهبی، علمی و آموزشی است.⁶ در دوره عباسیان (132-656ق) ابومسلم خراسانی مسجدی با ظرفیت 60 هزار نفر ساخت که نشان از وسعت و اهمیت نیشابور در آن زمان دارد (حاکم نیشابوری، 1375:

تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه ... حسن باصفا و همکار

217). در دوره طاهریان نیز این شهر با تبدیل شدن به پایتخت آنان، دارای ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قدرتمندی شد (Bosworth, 1996: 328).

یعقوبی، معاصر طاهریان، در آثار خود و به‌ویژه در *تاریخ و البلدان* که از کهن‌ترین متون برجای‌مانده از صدر اسلام هستند، درباره اهمیت نیشابور سخن گفته است: «نیشابور ولایتی است وسیع، با نواحی بسیار که از آن جمله است طبرستان و قوهستان و نسا و ایبورد و ابرشهر و جام و باخزر و طوس و شهر بزرگ طوس به آن نوقان گفته می‌شود و زوزن و اسفرائین بر جاده‌راه گرگان است» (1381: 44). به گفته یعقوبی، جام که مرکزش بوژگان بوده، بخشی از پهنه مدیریتی نیشابور شناخته شده است.

در سال 259ق صفاریان با برانداختن طاهریان، به مدت 28 سال نیشابور را به سرزمین‌های قلمروشان اضافه و بر آن حکومت کردند تا اینکه در سال 287ق به دست سامانیان نابود شدند. دوره سامانیان (287-395ق) اوج دوران اقتدار و شکوفایی نیشابور است (اعتضادی، 1374: 653) که یافته‌های فراوان باستان‌شناختی از حفاریات اندک صورت‌گرفته دلیلی بر این مدعاست. ذکر اسامی 2680 اندیشمند توسط حاکم نیشابوری (321-405ق) متعلق به تمام سرزمین‌های اسلامی و تخمین جمعیت 200 هزار نفری در نیشابور توسط بولیت اهمیت نیشابور را در برهه یادشده نشان می‌دهد (Bulliet, 1976: 88).

در این ایام، نیشابور مرکز فرماندهی سپاه و از مراکز بازرگانی، سیاسی و اجتماعی مهمی بود که در کنار پایتخت سامانیان، در تحولات منطقه‌ای سهم مهمی داشت (حدودالعالم، 1340: 89). دیگر نویسندگان هم‌عصر مانند ابن‌رسته (1365: 200)، مقدسی (1361: 459-462) و اصطخری (1368: 269-273) از وسعت و اهمیت نیشابور سخن رانده و ساختار شهری آن را در قرن چهارم همچون ساختارهای شهری دوره ساسانی و صدر اسلام برمبنای کهن‌دژ، شارستان و ربض ترسیم کرده‌اند که در اوج گسترش خود 42 محله نیز داشته است (مقدسی، 1361: 460).

پس از سامانیان و در دوران زمامداری غزنویان و سلجوقیان، نیشابور تا نیمه قرن ششم هجری همچنان پایتخت خراسان بود (فرای، 1389: 148). در دوران حکومت طغرل سلجوقی (429ق) نیشابور به آل‌ارسلان سپرده شد و هنگام زمامداری وی و ملک‌شاه، فصل تازه‌ای در گسترش شهری نیشابور آغاز شد؛ به این ترتیب که مدارس متعدد که هر یک دانشگاه‌های معتبر زمان خویش بودند و نظامیه‌هایی به دست خواجه نظام‌الملک ساخته شدند. ساختارهای سیاسی

و اقتصادی نیشابور در دوران سلجوقی نیز به اوج اقتدار و عظمت رسید و با حمله وحشیانه غزها در سال 1153 م (حاکم نیشابوری، 1375: 221) و بلایای طبیعی به‌ویژه زلزله (Melville, 1980) نیشابور جایگاه اصلی خود را ازدست داد و به شهری معمولی تبدیل شد.

2. بوژگان بخشی از پهنه فرهنگی نیشابور در سده‌های نخستین و میانی اسلامی

یکی از مهم‌ترین مناطق خراسان جام/ زام نام دارد که همواره از توابع نیشابور بوده است. در بازه زمانی پژوهش حاضر، مرکز زام بوژگان بوده که در متون به‌صورت‌های گوناگون مانند بوزجان یا بوزگان آمده است. محوطه تاریخی بوژگان⁷ در میان دشت نیل‌آباد به فاصله 17 کیلومتری جنوب شرق تربت جام و در مسیر مسقیم به فاصله 210 کیلومتری شهر کهن نیشابور قرار دارد. نهشته‌های بوژگان در طول 35 درجه و 10 دقیقه و 42 ثانیه و عرض 60 درجه و 44 دقیقه و 35 ثانیه جغرافیایی قرار دارند و به‌صورت تپه ماهورهای (شکل 3) متعدد با وسعتی بالغ بر هزارمترمربع برآورد می‌شوند که به‌دلیل فعالیت‌های انسانی مانند کشاورزی و جاده‌سازی آسیب فراوان دیده‌اند (شکل 3).



شکل 3 نمایی از تپه ماهورهای متعدد بوژگان (دید از میانه محوطه)

(عکس از نگارندگان)

تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه ... حسن باصفا و همکار

از بقایای معماری بوژگان در دوره قاجاریه و به سال 1299 در *سفرنامه رکن‌الدوله* یاد شده که در آن زمان برج‌های آن هنوز برجا بوده است (منشی، 1356: 106). در کنار نهشته‌های باستانی، زیارتگاه شیخ ابوذر بوژگانی قرار دارد. ارزیابی منابع مکتوب نشان می‌دهد از این محوطه در قرن‌های اولیه و میانی اسلامی استفاده می‌شده است. بوژگان به‌علت قرارگیری در مسیر جاده ابریشم و راه بین نیشابور به هرات، در سده چهارم اهمیت ویژه‌ای داشته است (خسروی، 1377: 2052).

3. ارزیابی منابع مکتوب

بازگشت به منابع مکتوب به‌منظور تحلیل محوطه بوژگان ضروری و کارآمد است. پیش از پرداختن به این قبیل متن‌ها، ذکر این نکته ضروری است که در تقسیمات اداری نیشابور در دوران اسلامی نام ولایت‌ها، ارباع، مدینه‌ها و روستاهای بسیاری آمده؛ ولی واحدهای جغرافیایی ذکرشده به‌خوبی توصیف نشده و فقط اطلاعات کلی آن‌ها بیان شده است. در متون صدر اسلام (قرن اول تا چهارم) نام نیشابور همواره به‌عنوان یکی از خوره‌های خراسان آمده که ولایت جام یکی از شهرستان‌های آن بوده (ابن‌فقیه همدانی، 1349: 168) و این بدان معناست که ولایت جام بخشی از پهنه فرهنگی نیشابور در این برهه بوده است. علاوه بر این، گاهی نیز در برخی متون نام واحد جغرافیایی روستا برای ولایت جام آمده که *فتوح البلدان* یکی از آن‌هاست. در این متن جام از روستاهای نیشابور معرفی شده که در سال 31ق با ورود اسلام به ایران و با فتح نیشابور به‌عنوان بخشی از پهنه فرهنگی آن به‌دست مسلمانان افتاده است (بلاذری، 1364: 159). اهمیت این متن در آن است که نشان می‌دهد پهنه فرهنگی نیشابور در پیش از اسلام، یعنی دست‌کم در دوره ساسانیان بسیار گسترده، و ولایت جام بخشی از آن بوده است.

دیگر منابع مکتوب صدر اسلام مانند *المسالك و الممالك* (نگارش حدود 250ق) (ابن‌خردادبه، 1371: 23-24)، *البلدان* (نگارش حدود 282ق) (یعقوبی، 1381: 278) و *اعلاق‌النقیسه* (نگارش 290ق) (ابن‌رسته، 1365: 171) که در شرح آگاهی‌های کهن از نجوم، و

شهرها و کشورهاست، جام را یکی از استقرارهای پهنه فرهنگی نیشابور ذکر کرده‌اند که منظور آن‌ها محوطه بوژگان بوده است.

چگونگی توصیف ولایت جام که بوژگان مهم‌ترین محوطه اسلامی آن است، در منابع مکتوب تفاوت دارد؛ برای مثال ابن‌رسته آن را هم یکی از شهرهای نیشابور و یکی از روستاهای آن نام برده؛ یعنی دو تعریف متفاوت در یک متن. در *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* که موضوع آن جغرافیاست و با هدف توصیف سرزمین‌های گوناگون در حدود 375ق نگاشته شده، لفظ بوزجان (مغرب‌شده بوژگان) یکی از شهرهای قصبه ایران‌شهر که همان نیشابور بوده، آمده است (مقدسی، 1361: 436). مقدسی در توصیفش می‌گوید: «زام بزرگ است و می‌توان بوزجان را شهر آن شمرد ولی من آن را دارنصر خواندم» (همان، 59). این توصیف نشان می‌دهد بوژگان در این برهه نقش کلیدی و مرکزی داشته است. در *طبقات ناصری* نیز بیان شده که هم‌زمان با تسخیر نیشابور به وسیله صفاریان در 256ق، جام نیز به دست یعقوب لیث صفاری افتاده (منهاج‌السراج، 1363: 199) و براساس ارزیابی کلی، منظور آن بوژگان، یکی از توابع نیشابور، بوده است (یعقوبی، 1381: 54).

دیگر مورخان نیز مانند گردیزی (1347: 175) و عتبی (1374: 186-188) در سال 391ق، زمانی که از نبرد سامانیان و غزنویان حکایت می‌کنند، از شهر بوژگان نام می‌برند. در جنگ‌های دیگر مانند نبردهای اسماعیلیان در قرن پنجم، بوزجان را منطقه‌ای بین نیشابور و هرات دانسته‌اند (فرقانی، 1385: 221). همچنین براساس منابع مکتوب، در قرن پنجم (493ق) سنجر سلجوقی در بوژگان بر مخالفان خود چیره شد (خوافی، 1339-1341: 210). در توصیف دیگری نیز بوژگان مرکز زام (مراد جام بوده است) بیان شده که خود زام یکی از خوره‌های (واحدی جغرافیایی مانند استان‌های امروزی) نیشابور معرفی شده است (یاقوت حموی، 1383: 2/ 609).

در سده ششم، بوژگان همچنان بخشی از پهنه فرهنگی نیشابور بوده و سمعانی (متوفی 506ق) (1383: 355) بوژگان را یکی از روستائین‌های نیشابور توصیف کرده است. در متون آمده که در سال 558ق قلعه جام توسط ملک‌مؤید نیشابوری تسخیر شد (اعتمادالسلطنه، 1363: 926؛ سمعانی، 1383: 273).

تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه ... حسن باصفا و همکار

در سده هفتم نیز بوژگان همچون دیگر شهرهای خراسان در سال 616 ق به دست مغولان ویران شد (اعتمادالسلطنه، 1363: 213) و مانند نیشابور اهمیت خود را ازدست داد؛ هرچند به نظر می‌رسد پس از حمله مغول اهمیتش را تا حدودی بازیافت و دارای ساختارهای اداری همچون قصبه و حصار دور شهر نیز شد (حافظ ابرو، 1370: 77). در این برهه، شهر نیشابور نیز جایگاه خود را ازدست داد و اطلاعات باستان‌شناختی نیز این مسئله را تأیید می‌کنند (لباف، 1384).

4. اهمیت محوطه بوژگان در مسیر راه‌های ارتباطی

با توجه به متون نوشتاری بحث‌شده، یکی از دلایل اهمیت بوژگان قرارگیری آن در مسیر ارتباطی نیشابور به هرات در قرن چهارم است که بی‌شک، در بوژگان تأثیرات اقتصادی مهمی داشته که ابعاد محوطه و تأکیدهای متعدد متون گواه این مدعا هستند. مسیر بین نیشابور و هرات و فواصل آن را ابن حوقل، جهان‌گرد معروف و جغرافی‌دان عرب، در قرن چهارم در کتاب *صورة الارض* این‌گونه توصیف کرده است: نیشابور تا بوزجان چهار مرحله و از آنجا تا بوشنج نیز چهار مرحله و از آنجا تا هرات یک مرحله بوده است (1345: 453). یاقوت حموی (1380: 1/ 651) نیز در توصیف‌های خود ضمن به‌کار بردن لفظ بوزجان، آن را شهرکی در چهارمرحله نیشابور و شش‌مرحله هرات و یکی از بخش‌های نیشابور نام برده است. در *حدودالعالم* نیز (نگارش در سال 372 ق) علاوه بر اینکه بوژگان یکی از سرحدات نیشابور توصیف شده، ضمن اشاره به کشاورزی فراوان در آن، کرباس یکی از محصولات صادراتی آن شمرده شده است (همان، 91). این شواهد نشان می‌دهند بوژگان در کنار مدیریت راه ارتباطی مذکور، از اقتصاد تولیدی نیز برخوردار بوده که کاوش‌های باستان‌شناسی می‌تواند به‌طور کامل این فرضیه را تأیید کند.

5. نتیجه

نیشابور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی دوران اسلامی، در مدیریت کلان مناطق پیرامونی خود در دوره‌های حکومتی بازه زمانی قرن‌های اولیه و میانی اسلامی اهمیت ویژه‌ای

داشته است. شواهد این مدعا متون متعددی است که جغرافی‌دانان و مورخان دوران اسلامی نگاهشده‌اند. در این متون، همواره از اسامی زیادی یاد شده که با واحدی جغرافیایی مانند شهر، روستا و... توصیف شده‌اند. این اسامی که امروزه نیز به مراکز شهری تبدیل شده‌اند، در پهنه فرهنگی نیشابور در دوران اسلامی جای داشته‌اند؛ به گونه‌ای که گستره فرهنگی نیشابور در دوران اسلامی (صدر اسلام تا قرن ششم) را تاحدودی می‌توان با خراسان امروزی یکی دانست. لفظ جام یکی از این مناطق است که امروزه دو شهر تربت حیدریه و تربت جام از مهم‌ترین مراکز آن به‌شمار می‌آیند. براساس منابع مکتوب، جام همواره از توابع نیشابور بوده که مهم‌ترین مرکز آن شهر بوژگان است که در بازه زمانی پژوهش حاضر، در تحولات حوزه جام نقش بسیار مهمی داشته و همواره با مرکز اداری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قدرتمند خود، نیشابور، در ارتباط بوده و به‌عنوان یکی از بخش‌های آن به حیات خود ادامه داده است. در تاریخ نیشابور نوشته حاکم نیشابوری، از اندیشمندان و دانشجویانی یاد شده که اهل بوژگان بوده و در نیشابور تحصیل می‌کرده‌اند و این مسئله نشان از مرکزیت علمی نیشابور نیز دارد. در پایان باید گفت شکل‌گیری ساختارهای قدرتمند سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیشابور در سده‌های اولیه و میانی اسلامی همواره سبب شده بوژگان به‌عنوان استقرار خرد پیرامون مرکز باشد و تأثیرات این ارتباط به‌صورت کنشی یکسویه در تمام ارکان آن وجود داشته که برای اثبات کامل آن کاوش‌های باستان‌شناسی هدفمند ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

1. cultural area

2. در یکی دو قرن اخیر و در پی بی‌کفایتی شاهان قاجار، سریع خراسان از آن جدا شد و امروزه بخش‌هایی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان است. از خراسان بزرگ فقط ربع نیشابور در ایران امروزی باقی مانده که شامل استان‌های خراسان رضوی و شمالی کنونی است.

3. کتاب تاریخ نیشابور از چنین متونی است.

4. R.B. Bulliet

5. M. Kervran

6. نگارندگان معتقدند در دیگر متون تاریخی مربوط به سال‌های بعد از حاکم نیشابوری، مانند *الاعلاق‌النفیسه، البداء و التاریخ مقدسی، تاریخ بیهقی، مسالک و الممالک اصطخری، احسن‌التقاسیم*

تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه ... _____ حسن باصفا و همکار
 مقدسی و غیره، به گزارش‌های پراکنده‌ای برمی‌خوریم که اطلاعاتی مشابه کتاب حاکم دارند و البته،
 اطلاعات تازه‌اندکی به‌دست می‌دهند که مغتنم است.
 7. برای اولین بار این محوطه در سال 1378 به شماره 2362 در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (1345) *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه (1371). *المسالك و الممالك*. ترجمه سعید خاکرند. تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد (1349). *مختصر البلدان*. ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن رسته، احمد بن عمر (1365). *اعلاق النفیسه*. ترجمه حسین قره‌چانلو. تهران: امیرکبیر.
- اعتضادی، لادن (1376). «نیشابور (برشهر)» در *مجموعه مقالات همایش معماری و شهرسازی ایران*. ج 1. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (1363). *مطلع الشمس*. به اهتمام برهان لیمودهی. ج 3. تهران: فرهنگ سرا.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (1368). *مسالك و الممالك*. ترجمه فارسی قرن پنجم / ششم هجری. تهران: بنیاد ایرج افشار.
- بارتلد، ویلهلم (1377). *جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بلاذری، احمد بن یحیی (1364) *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تصحیح محمد فرزاد. تهران: سروش.
- تقوی، عابد (1389). «بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران اسلامی». *مطالعات اجتماعی ایران*. ش 3. صص 6-20.
- جلالی مقدم، مریم (1377). «پهنه فرهنگ». *کیهان فرهنگی*. ش 146. صص 1-2.

- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (1370). *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*. تهران: چاپ غلامرضا وره‌رام.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (1375). *تاریخ نیشابور*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- *حدودالعالم من المشرق الى المغرب* (1340). تهران: چاپ منوچهر ستوده.
- خسروی، خسرو (1377). «بوزجان» در *دانشنامه جهان اسلام*. ج 4. قم: مرکز دایرةالمعارف الفقه الاسلامی.
- خوفی، احمد بن محمد (1339 - 1341). *مجمعل فصیحی*. ج 2. مشهد: چاپ محمود فرخ.
- ریاضی، محمدرضا (1371). «نیشابور از دیدگاه باستان‌شناسی». *باستان‌شناسی و تاریخ*. س 6. صص 20-30.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (1383). *الانساب*. ج 2. حیدرآباد دکن: چاپ عبدالرحمان بن یحیی معلمی یمانی.
- عتبی، محمد بن عبدالجبار (1374). *تاریخ یمینی*. ترجمه ناصح بن ظفر جرفادقانی. مصحح جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
- فرای، ریچارد نیلسون (1389). *تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- فرقانی، محمد فاروق (1385). *تاریخ اسماعیلیان قهستان*. ج 1. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (1349). *کاوش‌های نیشابور و سفالگری ایران در سده 5 و 6 ق*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- گرایلی، فریدون (1374). *نیشابور شهر فیروزه*. ج 3. تهران: خاوران.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (1347). *زین‌الخبار*. تهران: چاپ عبدالحی حبیبی.
- لاله، هایده و دیگران (1390). *پهنه شهر کهن نیشابور در گستره طبیعی و تاریخی از دوره ساسانی تا دوره قاجار*. آرشیو پایگاه میراث فرهنگی شهر کهن نیشابور.

- تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن‌های اولیه ... _____ حسن باصفا و همکار
- لباف، رجبعلی (1384). گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه شادباخ نیشابور. آرشیو سازمان میراث فرهنگی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (1361). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- منشی، محمدعلی (1356). *سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس*. تهران: چاپ محمد گلبن.
- مهناج‌السراج، عثمان‌بن محمد (1363). *طبقات ناصری*. تصحیح و تعلیق عبدالحی حبیبی. ج 1. تهران: دنیای کتاب.
- ویلکینسون، چارلز (1390). *بررسی ساختمان‌های اوایل اسلام و تزئینات آن‌ها در نیشابور*. ترجمه هادی بکائیان. مشهد: مرندیز.
- یاقوت حموی (1380). *معجم البلدان*. ترجمه علی منزوی. ج 1. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- _____ (1383). *معجم البلدان*. ترجمه علی منزوی. ج 2. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یعقوبی، ابن‌واضح (1381). *البلدان*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. ج 4. تهران: علمی و فرهنگی.
- یوسفی‌فر، شهرام (1384). «تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران». *فصلنامه فرهنگ*. ش 56. صص 217-261.
- Allan, J. (1982). *Nishapur: Metalwork of the Early Islamic Period*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Boworth, C.E. (1996). *The New Islamic Dynasties: A Chronological and Genealogical Manual*. Edinburgh University Press.
- _____ (2010). "NISHAPUR i. Historical Geography and History to the Beginning of the 20th Century". *Iranica*. <http://www.iranicaonline.org/articles/nishapur-i>.
- Bulliet, R. (1976). "Medieval Nishapur: A Topographic and Demographic Reconstruction". *Studia Iranica*, Tome 5. Pp. 68- 89.
- Kervran, M. (2005- 2006). *Nishapur, Rapport de la Mission Archéologique Irano-Français*. ICHTO (Unpublished).

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره 7، شماره 1، بهار و تابستان 1394

- Melville, Ch. (1980). "Earthquakes in the History of Nishapur". *Iran. No. 18*. Pp. 103- 120.
- Wilkinson, Ch.K. (1973). *Nishapur, Pottery of Early Islamic Period*. NewYork: The Metropolitan Museum of Art.
- _____ (1986). *Nishapur: Some Early Islamic Building and Their Decoration*. New York: the Metropolitan Museum of Art.